

پنجشنبه سیاهپوش نعمت آرم

بیشماران به خیابان که سیه پوشانند
سوگواران به خون خفته سیاوشانند

شاد پوشند و بنوشند به شادی فردا
خلق کوشنده که امروز سیه پوشانند

نامشان زینت سردقتر آزادی ماست
این به خون خفته جوانان نه فراموشانند

رودها باز نگردند به سرچشمه ی خویش
چشمه سارند که پیوسته بهم جوشانند

حاصل جنبش ملی به یقین آزادی ست
دختران و پسران تا که چنین کوشانند

مرد و زن خون به جگر در پی فرصت بودند
شیخ پنداشت که دلمرده و خاموشانند

مژده ای میهن افتاده و برخاسته برنا هر بار
در رخت پیر و جوان یکدل و همدوشانند

شاد بادی که ز خود جوشی این رستاخیز
دشمنانت ز شگفتی همه مدهوشانند

سایه ی شوم خلافت هم اگر هست هنوز،
هست فرشی که بر آن باده خوران نوشانند!

صبح آزادی ما می دمد و می بینم :
دشت در دشت ، گل و سبزه هماغوشانند.

پاریس
پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۸ خورشیدی
روز سوگواری ملی